روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

# همشهری

پنجشنبه ۲۳ تیر ۱۴۰۱ ■ سال سی‌ام ■ شماره ۸۵۴۳

تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین


■ حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
کسی که از خدا آمرزش بخواهد، به آمرزش دست یابد.

■ اذان ظهر: ۱۳:۱۰ ■ غروب آفتاب: ۲۰:۲۱
■ اذان مغرب: ۲۰:۴۲ ■ نیمه‌شب شرعی: ۰۰:۱۹
■ اذان صبح: ۴:۱۷ ■ طلوع آفتاب: ۶:۰۰


■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیرمسئول: عبدا... گنجی
■ سردبیر: دانیال معمار

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

توزیع و اشتراک:
موسسه نشرگستر امروز نوین
■ تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰

سازمان آگهی‌ها و نیازمندی‌ها:
■ خیابان قائم‌مقام فراهانی، میدان شعاع، خیابان شهید خدری شماره ۲۹ - طبقه اول ■ تلفن: ۸۴۳۲۱۷۰۰ - ۸۸۸۶۱۸۱۹


صفحه آخر

دلم جز مِهرِ مَه‌رویان طریقی برنمی‌گیرد
ز هر در می‌دهم پندش ولیکن در نمی‌گیرد
حافظ

## گرینویچ

### بازگشت تابلوی ۵۰۰ساله

**کایرنیا:** یک تمثال ۵۰۰ساله که از کلیسایی در شمال قبرس به سرقت رفته بود پس از چند دهه به این کشور بازگردانده شد. به‌گفته مسئولان میراث فرهنگی قبرس قدمت این تمثال که عیسی مسیح(ع) را نشسته روی تخت نشان می‌دهد به پایان قرن پانزدهم یا اوایل قرن شانزدهم میلادی بر می‌گردد. تمثال سرقت شده متعلق به کلیسایی در نزدیکی شهر ساحلی کایرنیا در شمال قبرس بود. شمار زیادی از نقاشی‌های دیواری، نگاره‌ها، منبت‌کاری‌ها و آثار مذهبی کلیساهای قبرس در سال ۱۹۷۴ به‌دنبال اشغال بخش شمالی این جزیره از سوی ترکیه به سرقت رفت. حمله ترکیه به شمال قبرس این جزیره را به ۲قسمت مسلمان‌نشین شمالی و ارتدوکس‌نشین جنوبی تقسیم کرد. پلیس قبرس موفق شده بود رد این تمثال ۵۰۰ساله عیسی مسیح را در یکی از بنگاه‌های حراج سوئیس پیدا کند. پلیس سوئیس این اثر هنری مسروقه را در سال ۲۰۱۴ توقیف کرد. با این حال کشمکش حقوقی بر سر این تمثال بین مقامات قبرس و سوئیس تا هفته پیش ادامه داشت.

### کنایه ماسک به ترامپ

**نیویورک:** ایلان ماسک، مدیرعامل شرکت‌های تسلا و اسپیس ایکس در واکنش به ناسزاگویی دونالدترامپ گفت که زمان آن فرارسیده است تا رئیس‌جمهوری سابق آمریکا از عرصه سیاسی و اجتماعی خارج شود. به‌گزارش یورونیوز، میلیاردر آمریکایی در صفحه توییترش با استفاده از ۲اصطلاح «کلاه آویختن» و «حرکت به سمت غروب آفتاب» نوشت که دونالدترامپ باید پایان کارش را بپذیرد و بازنشسته شود. ایلان ماسک با این حال تأکید کرد که از دونالد ترامپ «تنفر» ندارد. او همچنین بدون ارائه توضیح بیشتر خواستار توقف حملات دمکرات‌ها به دونالد ترامپ شد. او نوشت که حملات دمکرات‌ها باعث می‌شود که «تنها راه نجات ترامپ» بازگشت به مقام ریاست‌جمهوری باشد. ترامپ در جریان سخنرانی در ایالت آلاسکا ایلان ماسک را «هنرمند لافزن» خوانده بود.

### ماهی روباتیک پلاستیک‌خوار

**سیچوان:** محققان دانشگاه سیچوان واقع در جنوب غربی چین امیدوارند که ماهی روباتیک طراحی شده توسط آنها بتواند با خوردن ذرات پلاستیک به پاکسازی اقیانوس‌های آلوده جهان کمک کند. این روبات نرم‌تن که فقط ۱,۳ سانتی‌متر طول دارد، قادر است که ذرات ریز پلاستیک موجود در آب‌های کم عمق را ببلعد. با این حال، دانشمندان چینی در تلاشند تا با ارتقای توانمندی این روبات بتوانند از آن برای پاکسازی آب‌های عمیق اقیانوس‌ها و نیز جمع‌آوری اطلاعات لازم برای تجزیه و تحلیل آلودگی دریاها استفاده کنند. این ماهی روباتیک سیاه رنگ با تابش نور تغذیه می‌شود و قادر است با انرژی دریافتی از طریق تابش نور، باله‌ها و بدن خود را تکان دهد. سیستم تابش نور به دانشمندان کمک می‌کند تا این ماهی را کنترل و از برخورد آن با سایر ماهی‌ها و اجسام دیگر جلوگیری کنند. این ماهی روباتیک اگر از سوی سایر ماهی‌ها بلعیده شود، به راحتی قادر است که از سیستم گوارش و دفع آنها به سلامت عبور کند. در ساخت این ماهی از پلی اورتان (Polyurethane) استفاده شده که ماده‌ای سازگار با محیط‌زیست است. این ماهی روباتیک افزون بر جذب آلاینده‌ها قادر است که خود را نیز درصورت آسیب‌دیدگی بازیابی و بازسازی کند. سرعت حرکت این ماهی به ۲,۷۶ طول بدن آن در ثانیه می‌رسد که سریع‌تر از اکثر روبات‌های نرم‌تن است.

# لطفاً پیرو من باشید تا خوشبخت شوید!

نگاه

**ونوس بهنود**
روزنامه‌نگار

سفره غذای چیده شده، آرایش غلیظ و لباس‌های مد روز. نوشته است: «روزمرگی‌های من، اینجا کلی حرف تازه باهاتون دارم» اما نه‌تنها تازگی در کادر مربعی پست اینستاگرامی دیده نمی‌شود بلکه به حدی گرفتار کلیشه است که حتی نمی‌توان کلمه زیبا را برای آن به‌کار بست. اما واقعیت تلخ این است که هزاران نفر دنبال‌کننده دارد.

داستان شاخ‌های مجازی شاید از وبلاگ‌ها آغاز شد و از جایی که آدم‌ها تصورات و تفکرات خود را بیشتر در قالب متن به مخاطبان انتقال می‌دادند. همه‌چیز ساده بود از گرافیک صفحه‌ها تا مطلبی که نوشته می‌شد. می‌شد برای هر مطلبی نظر داد و لازم هم نبود که هویت خود را فاش کرد. مشابه این اتفاق زمانی یکباره با انفجار تبادل اطلاعات همراه شد که اینستاگرام وارد فضای زندگی ما شد. اساس تصویری و ویدئویی این پلتفرم نه‌تنها برخی فرهنگ‌ها را کنار زد بلکه سبک و سیاق جدیدی از ارتباطات را بین مردم دنیا و البته ایرانی‌ها شکل داده است. اینستاگرام هم فضایی بود برای اشتراک اتفاقات و رویدادها با این تفاوت که به‌دلیل تصویر محوری حریم خصوصی را کنار می‌زد. کار تا جایی پیش رفت که هر کسی به‌نوعی به‌دنبال جذب فالور و عرض اندام باشد و برای افزایش «کا»های خود جشن بگیرد و به همه نیز اعلام کند. تا اینجای ماجرا به‌نظر نمی‌رسد آسیبی متوجه حال کسی شده باشد اما واقعیت پشت پرده چیست؟

اینفلوئنسرهای متنوعی در اینستاگرام طی یک دهه اخیر عرض اندام داشته‌اند. از ورزشی و هنر و آشپزی تا سفر و سبک زندگی. بیشترین محبوبیت نیز مربوط به فعالان حوزه به‌اصطلاح سبک زندگی است. در «بیو» این افراد به صراحت نوشته شده است که بخش‌هایی از زندگی روزمره به مخاطبان ارائه می‌شود. «گزیده‌هایی» که بخش عمده‌ای از آن در زندگی هر فردی وجود دارد. در عین حال که موضوع تکراری است اما رقم فالورهای این افراد گواه بروز اتفاقات پیچیده‌ای است. این افراد با ادعای معرفی سبک سالم، زیبا، مقرون به‌صرفه، رمانتیک و عاشقانه و حتی لاکچری به‌دنبال این هستند که اثبات کنند خوشبخت بوده و قادر به ترویج خوشبختی و شادی برای دیگران هستند. نه‌تنها خودشان بلکه همسر و فرزندانشان برای ضبط و ثبت عکس‌ها و ویدئوها به‌کار گرفته می‌شوند. صحنه‌ها اغلب تکراری است. سفره‌های غذا، عکس کنار دریا، مسافرت با همسر، خوردن بستنی در کافی‌شاپ، ادا درآوردن و حرف زدن بچه‌ها، عکس از اسباب منزل و چیدمان خانه. اینکه تا چه حد این تصاویر برای دیگران آموزنده است، به واقع محل

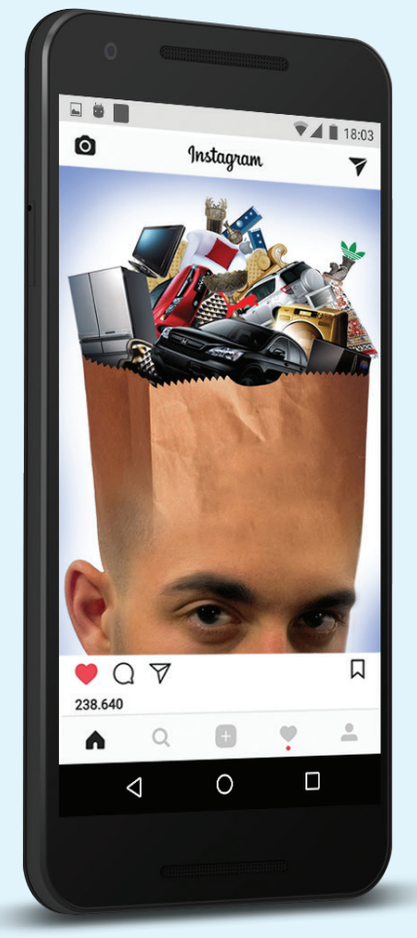


سؤال است. نه‌تنها تعداد اینفلوئنسرها مشخص نیست بلکه هیچ محدودیتی برای نشر تصاویر از زندگی شخصی وجود ندارد. تنها محدودیت‌ها زمانی است که با قوانین اینستاگرام همخوان نباشد در غیراین صورت فرد می‌تواند مسائل شخصی خود را حتی در سطح ابتذال یا دروغ و فریب مخاطب «پست» و «استوری» کند. نکته قابل توجه درآمدزایی از این مسیر است. اینفلوئنسرهای سبک زندگی از خصوصیات زندگی خود فالور جذب کرده و تبلیغات می‌گیرند. از تبلیغ خورد و خوراک و مواد غذایی تا رستوران‌ها و کافه‌هایی که رفته‌اند و شاید حتی دقیقه‌ای در آنجا نشسته‌اند. بخش تکان‌دهنده ماجرا استفاده ابزاری از همسران و کودکان است. هر چند برخی اینفلوئنسرها و بلاگرها رعایت اصول اخلاقی، باید و نبایدها و چارچوب‌های فرهنگی را مورد توجه قرار داده و مطالب کیفی ارائه می‌دهند اما بخش عمده‌ای از بلاگرهای سبک زندگی مصرف و مصرف و مصرف را در جامعه نهادینه می‌کنند. لباس‌های بیشتر، تغییر مکرر دکوراسیون منزل، تعدد سفر و سفره‌های رنگین و تشویق به دورهمی‌های متعدد. در واقع سبک زندگی بلاگرها عموما با شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه همخوانی ندارد. نه قوانینی برای مواجه با این افراد پیش‌بینی شده و نه جامعه به سطحی از آگاهی رسیده که چنین افرادی قادر به عرض اندام نباشند. پیامد پیروی از بلاگری که خصوصیات زندگی خود را به نمایش می‌گذارد در ابتدا ایجاد تمایل، نیاز و حسرت برای داشتن شرایط مشابه است. افراد دنبال‌کننده فارغ از شرایط مادی خود و شرایط زندگی شخصی‌شان مرتبا این سؤال را می‌پرسند که چرا نباید امکانات مشابه یا همسر و خانه‌ای مشابه داشته باشند؟ چرا فلان چیدمان و وسایل در منزل آنها نیست و چرا نباید یک سفر لاکچری بروند؟ بلاگرهای سبک زندگی سبکی از زندگی فانتزی را در هاله‌ای از رمانتیک و عاشقانه بودن به مخاطبی که از انواع مشکلات انباشته است، القا می‌کند، چیزی که واقعیت ندارد. در مقابل چنین شرایطی این مخاطب است که باید آگاهانه صفحات چنین افرادی را دنبال کند و اگر احساس می‌کند در حال فریب خوردن یا گرایش یافتن به تجمل و مصرف‌گرایی است آن صفحه را ترک کند. بسیاری از بلاگرها به‌دلیل تأیید مخاطبان خود روزبه‌روز رشد کرده و تا جایی پیش می‌روند که خود را خالق بهترین شیوه زندگی می‌دانند. این در حالی است که هر دنبال‌کننده‌ای بعد از مشاهده یک تصور روتوش شده باید اقتضائات زندگی خود را درنظر گرفته و متناسب با آن نسبت به انتخاب سبک زندگی اقدام کند.

فرهنگ و زندگی

## آستانه تحمل گرما کاهش یافت

برای همه ما پیش آمده است که حتی در دمای هوای ۳۵درجه سانتی‌گراد هم رهگذری را ببینیم که دچار گرمازدگی شده است؛ موردی که عجیب به‌نظر می‌رسد چرا که دانشمندان پیوسته در شرایط رطوبت بالای هوا دمای ۳۵درجه را برای بشر قابل تحمل دانسته و بالاتر از آن را برای چند ساعت غیرقابل تحمل و خطرآفرین ذکر کرده‌اند. حالا نتایج تحقیقات جدیدی که در دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا انجام شده نشان داد محاسبات پیشین که نتایج آن در سال ۲۰۱۰میلادی منتشر شده بود و ۳۵درجه سانتی‌گرادی را آستانه تحمل گرمای بشر اعلام کرده بود، بسیار اشتباه بوده است (البته درصورت مرطوب بودن یا همان شرجی بودن هوا). جزئیات یافته‌های این محققان پرده از دمای مناسب برای انجام فعالیت‌های روزمره برمی‌دارد. به گزارش دیلی‌میل، آنها برای پاسخ به این پرسش آزمایش‌های گوناگونی روی افراد جوان و بزرگسال تندرست انجام دادند. شرکت‌کنندگان در این آزمایش بعد از بلعیدن یک قرص تله‌متری telemetry pill (ویژه سنجش دما)، در یک اتاق سربسته فعالیت‌های عادی روزانه نظیر غذا پختن و غذا خوردن را شبیه‌سازی کردند. دما و رطوبت هوای اتاق مرحله به مرحله افزایش پیدا می‌کرد و محققان بر واکنش‌های بدن آزمایش‌شوندگان نظارت می‌کردند. در نهایت مشخص شد که ترکیب گرما و رطوبت می‌تواند آستانه تحمل افراد را بسیار پایین‌تر از ۳۵درجه‌ای بیاورد که در تحقیق سال ۲۰۱۰ محاسبه شده بود. دمای حباب مرطوب طبق مشاهدات تحقیق جدید اگر میزان شرجی بودن هوا ۱۰۰درصد باشد در دمای ۳۱درجه اتفاق می‌افتد. قرار گرفتن در معرض گرما و رطوبت بالا به‌مدت طولانی می‌تواند باعث بیماری‌های جدی مرتبط با گرما در انسان شود. پایین‌تر از دمای حباب مرطوب انسان می‌تواند نسبتا دمای بدن خود را در طول زمان ثابت نگه دارد. اما بالاتر از این دما، حرارت بدن هم به‌طور مداوم افزایش می‌یابد. وقتی دمای بدن از حد معینی تجاوز کند قلب باید برای پمپاژ کردن خون به سطح پوست برای رفع گرما، سخت‌تر کار کند. این در حالی است که وقتی عرق می‌کنید سطح مایعات بدن شما هم کاهش می‌یابد. در موارد خیلی وخیم این می‌تواند به گرمازدگی منجر شود. گرمازدگی و بیماری‌های وابسته به آن یک عامل جدی تهدیدکننده زندگی ما انسان‌ها به‌شمار می‌آیند. نتایج این تحقیقات همچنین نشان می‌دهد که حتی دمای پایین‌تر وقتی با رطوبت همراه می‌شود روی قلب و دیگر اعضای بدن فشار وارد می‌کند؛ فشاری که می‌تواند برای افراد آسیب‌پذیر و به‌ویژه آن‌هایی که مشکل قلبی دارند، خطرناک باشد.

میگرن

## اسکوچیچ زندگانی

عیسی محمدی

مربع آمد، ابعادش نیامد
خودش آمد، دامادش نیامد
شگفتی در خلیج‌فارس برخاست -
که بایدن آمد و بادش نیامد

■■■

چه با نامردمی بس جاج گشتم
که چون بن‌سای بودم، کاج گشتم
منم چون اسکوچیچ زندگانی
نتیجه دادم و اخراج گشتم

■■■

کتاب آمد ولی جزوه نیامد
چراغ آمد ولی جلوه نیامد
سیاست، رنگ پاپوشی گرفته
«پوتین» آمد ولی گیوه نیامد

■■■

کمی غاز و کمی هم اردکم باش
اگر هم نه؛ ولیکن لک‌لکم باش
در این دنیای بی‌پایان و ناامن
گوگل گشتم؛ تو قفل کودکم باش

■■■

گدای هر دونبش کوت گردم
اسیر چرخش گیسوت گردم
اگرچه نرخ تخمِ مرغ بالاست -
بیا تا املت و نیمروت گردم

■■■

نئون باشم، شب تارم تو باشی
گرفتارم گرفتارم تو باشی
بساط عشق ما برعکس باشد
الهی گل شوم، خارم تو باشی

تقویم/زادروز

## توت فرنگی سوئدی

بدون شک وقتی می‌خواهیم از سینمای مدرن اروپا و البته سینمای روشنفکرانه و در عین حال سینمای دینی حرف بزنیم نام «ارنست اینگمار برگمان» می‌درخشد. کارگردان مشهور سوئدی که آکادمی اسکار و گلدن گلوب به‌ترتیب ۳ و ۷ بار جایزه «بهترین فیلم خارجی زبان» را به آثارش اختصاص دادند تا یکی از مهم‌ترین رکوردهای جایزه سینمایی به نام برگمان ثبت شود. او ۴۵ فیلم ساخته که به اعتقاد بسیاری از منتقدان و البته نظرسنجی‌های صورت گرفته حداقل ۱۵فیلم او به مثابه شاهکارهای تاریخ سینما شناخته می‌شوند. نخستین تجربه فیلمسازی برگمان فیلم «بحران» در سال ۱۹۴۶ براساس یک نمایشنامه رادیویی بود. «مهر هفتم»، «توت فرنگی‌های وحشی»، «همچون در یک آینه» و «پرسونا» جزو شاهکارهای خلق شده توسط برگمان هستند. برگمان با مادرش رابطه خوب و نزدیکی داشت و شاید همین، دلیلی بر ساخت بسیاری از فیلم‌های او با محوریت زنانه باشد. در کتاب «فانوس خیال» برگمان به رابطه عمیق با مادرش به زیبایی اشاره می‌کند: «چند سال پیش، فیلم کوچکی از چهره مادر ساختم. آن هم با دوربین ۸میلی‌متری و یک لنز مخصوص. از آنجا که وقتی پدر مرد، همه آلبوم‌های عکس خانوادگی را دزدیده بودم، به ماده خام قابل توجهی دسترسی داشتم. به این ترتیب فیلم درباره چهره مادر - چهره کاترین - بود؛ از نخستین عکس وقتی که ۳سال داشت تا آخرینش؛ یک عکس گذرنامه که چند ماه پیش از آخرین حمله قلبی‌اش گرفته شده بود. روزها پشت سر هم صدها عکس را بررسی کردم، در یکی از عکس‌ها، مادرم دختری است؛ مشتاق و اسرارآمیز و استوار در بلوز سفید. عکس بعدی تأثیرگذار است؛ مادر در یک صندلی دسته‌دار بلند است و سگ بزرگی در مقابل او نشسته است. او با گشاده‌رویی می‌خندد (یکی از معدود عکس‌هایی که مادر در آن دارد می‌خندد). او سبکبار است. مادر مرا دوست داشت؛ فیلم‌هایم را و سکوتم را. مادر به کتاب و تئاتر و سفر و فیلم و مردم عشق می‌ورزید. مادر ۲حمله قلبی داشت. طوری به‌نظر می‌رسید که گویی باد سردی در سراسر صورتش وزیده باشد. چشم‌هایش محو شده‌اند. او که همیشه می‌خواند حالا دیگر نمی‌خواند. مادر تو باید به عکس‌ها لبخند بزنی، به نگاتیوهای ۸میلی‌متری این آخرین فیلم من. فرزند او هستم - اینگمار برگمان - فیلمسازم و همه جاودانگی را تقدیم به او می‌کنم، به مادرم که بیشتر از من خواند، بیشتر از من دید و بیشتر از من مرد.»

باشگاه نویسندگان

پنجشنبه

## مدیریت فرهنگی و فرهنگ مدیریت

**سیدمحمدرضا واحدی**
کارشناس فرهنگی

هرچند علما فرهنگ را برایند قوانین، اخلاقیات، اعتقادات، عادات، آداب، سنت‌ها و عرف جاری موردقبول جامعه می‌دانند اما در کوچه و بازار، فرهنگ را پایبندی به شیوه‌هایی می‌دانند که غربی‌ها برای جهانی‌سازی و تباهی فرهنگ ملت‌ها تدارک دیده‌اند. امروزه در ادبیات رایج عوام وقتی فرهنگ را به هر چیزی اضافه می‌کنیم، مثلاً فرهنگ شهروندی، فرهنگ همسایگی، فرهنگ آپارتمان‌نشینی، فرهنگ مدیریت، فرهنگ کسب‌وکار، فرهنگ معاشرت، فرهنگ مهمان‌داری و... متأسفانه آنچه به ذهن تبادر می‌کند روش‌ها و آدابی است که بیگانگان برای ما ترسیم کرده و گاه برای مهم جلوه دادن آن برایش رشته‌های دانشگاهی تاسیس کرده و رفتارهای مطابق آن را نشانه رشد و توسعه جا زده‌اند. شوربختانه عده‌ای هم که دنبال تقلید برای ترقی هستند، بیشتر از غربی‌ها پایبند شده و گاه از آنها سبقت هم گرفته‌اند.

بنابراین اشکالی ندارد که بین رفتار فرهنگی و فرهنگ رفتاری تفاوت قائل شویم و به‌عنوان مثال شهروندی فرهنگی را از فرهنگ شهروندی جدا بدانیم. در این راستا فرهنگ همسایگی یعنی اینکه ماه به ماه همسایه‌ات را نبینی و با همدیگر سلام و علیکی نکنید. مراقبت همسایگان از همدیگر را فضولی بدانید و برای سکونت دنبال فضاهایی باشید که کسی کار به‌کار همسایه نداشته باشد. به‌خاطر همین بسیار اتفاق می‌افتد که در روز روشن خانه همسایه را خالی می‌کنند و کسی به کسی نیست؛ زیرا اصلاً همسایه‌ها همدیگر را نمی‌شناسند و گمان می‌کنند خود صاحب‌خانه است که دارد اثاث‌کشی می‌کند. درحالی که همسایه‌داری فرهنگی یعنی پناه همسایه‌ات باشی، پشت‌اش را خالی نکنی و در غم و شادی او شریک شوی و هنگام نیاز دستش را بگیری و در نبودش مراقب مال و ناموسش باشی. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: جبرئیل آن‌قدر سفارش همسایه‌ها را به من کرد که کم مانده بود گمان کنم همسایه از همسایه ارث می‌برد.

اقتصاد و کسب‌وکار هم همین است. اقتصاد مبتنی بر فرهنگ ما می‌گوید به طرف معامله ظلم نکن، اجحاف و زیاده‌روی نکن، از اعتماد مردم سوءاستفاده نکن، گران نفروش، احتکار نکن و... یعنی اخلاق در اقتصاد و کاسبی فرهنگی حرف اول را می‌زند اما در فرهنگ اقتصادی آنگونه که غربی‌ها و نظام سرمایه‌داری تعریف می‌کند مهم سود تو است، حتی اگر ناجوانمردانه و با زمین زدن دیگران به دست آید؛ یعنی اخلاق در فرهنگ اقتصادی رایج هیچ موضوعیت و جایگاهی ندارد؛ درست برخلاف اقتصاد مبتنی بر فرهنگ.

همه‌چیز را همینطور می‌توان دید؛ مثلاً سیاست فرهنگی و فرهنگ سیاست. در فرهنگ دیپلماسی یا سیاسی، اخلاق جایگاهی ندارد و مهم برد تو است، حتی با دروغ و حیله و عهدشکنی و خنجر از پشت زدن. اما علی علیه‌السلام می‌فرماید: اگر می‌خواستم مثل معاویه سیاست ورزی کنم خیلی از او باهوش‌تر و زرنگ‌تر بودم. اما علی کسی نیست که اخلاق را فدای سیاست کند و دست از سیاست فرهنگی و اخلاق بردارد. مدیریت هم همینطور است؛ مدیریت فرهنگی حاصل به کارگیری اخلاقیات و عرفیات خودمان در مدیریت است؛ درحالی که فرهنگ مدیریت سوغات دیگران است و بر حسب آموزه‌های آنان تعریف می‌شود. مدیریت فرهنگی که ریشه در اعتقادات و آداب و سنت‌ها و اخلاق و مهربانی مردم این مرز و بوم دارد، می‌گوید هر کاری از دست‌ات برمی‌آید برای همنوعت انجام بده. در مدیریت فرهنگی این حرف که «مشکل شماست و به من ربطی ندارد» هیچ ارزش و جایگاهی ندارد. در مدیریت فرهنگی اگر حل مشکل مردم حتی در شرح وظایف تو نباشد اما دست‌ات برسد باید برای حل آن تلاش کنی. در مدیریت فرهنگی بین مردم و مدیر، حاجب و نگهبان و منشی و دربانی وجود ندارد اما در فرهنگ مدیریت آنگونه که غربی‌ها به ما می‌آموزند، حتی طول و عرض اتاق مدیران باید به‌گونه‌ای طراحی شود که از در ورودی تا میز مدیر ۱۰،۱۲متر فاصله باشد که وقتی ارباب‌رجوع وارد می‌شود مجبور باشد این مسافت را طی کند تا به مدیر برسد. ارباب‌رجوع باید احساس حقارت کند و بیاید آن طرف میز مدیر بنشیند و با عرض ارادت و گردن کج کردن خواسته‌اش را مطرح کند. در فرهنگ مدیریت یعنی هرچه راه رسیدن به مدیر سخت‌تر باشد، اقتدار و عظمت و شکوه او بیشتر خواهد بود. درهای کنترل‌دار که با برق کار می‌کنند و تا منشی و حاجب اراده نکنند باز نمی‌شود، نشان ابهت و اهمیت تو است و اینکه ارباب‌رجوع چند دقیقه پشت در معطل بشوند بر شکوهت می‌افزاید. در جلسات باید جایگاه مدیر بالاترین جایگاه و صندلی او با صندلی‌های دیگران متفاوت باشد.

پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیر مؤمنان علیه‌السلام در دوران حکومتشان همیشه و درهرحال در دسترس مردم بودند. در خانه آنها باز بود و هر کس می‌توانست مشکلش را رودررو با آنها در میان بگذارد. آن حضرت در این‌باره فرمود: هرکس عهده‌دار امور مردم شود اما خود را از دسترسی مردم پنهان کند که نتوانند به راحتی نیازها و خواسته‌هاشان را با وی در میان بگذارند، خداوند راه دسترسی وی به نیاز و خواسته‌اش را پنهان می‌کند.

البته درست است که زمانه تغییر کرده و با توجه به انبوه مراجعان، وجود دفتری که نظم و انضباط مراجعان را تنظیم کند ضروری است اما اگر مدیریت فرهنگی را فراموش کنیم و اصول فرهنگ مدیریت بر ما غلبه کند که متأسفانه تا حدود زیادی کرده است، جدایی مردم از مدیران را در پی خواهد داشت و این اتفاق برای کشور نتیجه خوبی ندارد. مراقب باشیم که به بهانه‌های امنیتی یا شلوغی یا نوبت‌دهی و... در دام وسوسه‌های نفس نیفتیم و خود را از مردم جدا نکنیم. ابن‌خلدون و مسعودی و یعقوبی می‌نویسند که معاویه نخستین خلیفه مسلمانان بود که به بهانه‌هایی چون جلوگیری از حمله خوارج و ازدحام مردم، برای خویش حاجب برگزید. پس از او هم خلفای بعدی و نیز دیگر فرمانروایان، حاجب یا حاجبانی گماشتند که محدوده اختیارات و نیز نفوذ و اعتبار آنها، باتوجه به وسعت دربار و ضعف و قوت خلفا و حاکمان متفاوت بود.